سپرده‌های قرض‌الحسنه: به امید یک هوای تازه‌تر

امیر جعفرزاده



کافی است در روز برای لحظاتی تلویزیون تماشا کرده باشید، تا ببینید حجم تبلیغات تلویزیونی در خصوص جایزه‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها و قرض‌الحسنه‌ها به چه میزان است. بخصوص بعد از ایام عید و نزدیک شدن به پایان مهلت ثبت نام در یکی از قرض‌الحسنه‌ها، این تبلیغات به شدت دیده می‌شوند.

چند سال پیش بود که مسابقات تلویزیونی متنوع و زیادی در شبکه‌های مختلف به وجود آمدند. مسابقاتی که در اوج به وجود آمدنشان، هزینه‌های هنگفتی برای جوایز برندگان متحمل می‌شدند و امروز هم مسابقات تلویزیونی فراوانی وجود دارند البته با جوایز کمتر و کم‌ارزش‌تر. اما هنوز به نسبت بسیار زیادی وجود دارند.

مکالمه دو نفر در خصوص کار با یکدیگر:

نفر اول: فلانی خوب پول در میاره‌ها

دومی: آره، اما کارش یه ایرادی داره.

اولی: چه ایرادی؟

دومی: کارش این جوری نیست که یک دفعه‌ای پول زیادی گیرش بیاد. حقوقش خوبه، اما کار خوب دلالیه. کم کار می‌کنی و یک دفعه پول درمیاری.

چرا مردم به سوی شرکت در این قرض‌الحسنه‌ها پیش می‌روند؟ یعنی شرایط اقتصادی در کشور برای پس‌اندازهای کوچک به چه شکلی است که موجب شده برای مردم بیرزد که در این آزمایشگاه‌های بخت‌آزمایی شرکت کنند؟

برای این مساله می‌توان دلایلی نظیر بی‌کاری، عدم وجود راه‌های مطمئنی برای پولدار شدن با برنامه‌ریزی، وجود فرهنگ بدون کار پول درآوردن، وجود منابع رانتی فراوان، وجود سیستم پاداش‌دهی اجتماعی- اقتصادی و اجتماعی که به ضابطه و توانمندی‌های افراد ارج نمی‌نهد و به رابطه یا شانس افراد بستگی دارد. نبود بازار سرمایه یا بازاری که پس‌اندازهای کوچک را جمع‌آوری و به آنان سود بدهند، و دارای تنوع باشد تا عموم مردم را پوشش و ریسک را کاهش دهد.

اما در این مقاله به این مساله می‌خواهم تمرکز کنم که سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه به امید برنده شدن جایزه‌های بزرگ یک کار عقلایی است و می‌توان ثابت کرد که این کار با توجه به شرایط اقتصادی کشور، احتمال ارزش اقتصادی برای افرد خواهد داشت.

آیا تا به حال شده به این مساله فکر کنید که چرا جوایز بانک‌ها مورد استقبال بسیاری از مردم قرار گرفته است؟ اگر یک حساب سرانگشتی کنیم، شدت استقبال را می‌توانیم حدس بزنیم. تنها در یکی از تبلیغات تلویزیونی بیش از یک میلیارد جایزه تبلیغ می‌شود. مسوولان سیستم‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها نیز اعتقاد دارند که مبالغ جوایز از ۲ تا ۵ درصد از مبلغ سپرده‌ها تامین می‌شود. حال اگر فرض کنیم در بانک مزبور، مبلغ فوق ۵ درصد باشد، یعنی بیش از یک میلیارد تومان جایزه‌ای که تعلق می‌گیرد تنها ۵ درصد از کل سپرده‌های قرض‌الحسنه این بانک است. بنابراین حداقل ۲۰ میلیارد تومان مبلغ سپرده‌های این بانک به صورت قرض‌الحسنه می‌باشد. با توجه به اینکه برای این نوع حساب، سود سپرده در نظر گرفته نمی‌شود، بنابراین اغلب کسانی در این بانک سرمایه‌گذاری می‌کنند که دارای سرمایه‌های کوچک باشند. بنابراین متوجه خواهیم شد تعداد افرادی که سرمایه‌های خردشان را در این بانک به صورت قرض‌الحسنه گذاشته‌اند، بسیار زیاد خواهد شد. در حالی که ما فقط یک بانک را بررسی کردیم. اگر همه بانک‌ها و البته خود سیستم‌های قرض‌الحسنه را در نظر بگیریم، خواهیم دید که میزان استقبال از حساب قرض‌الحسنه چه مقدار باورنکردنی خواهد شد.

حال باید دید چرا سیستم‌های قرض‌الحسنه در ایران به میزان بسیار زیادی مورد توجه قرار می‌گیرند؟ به نظر من جواب بسیار ساده است: چون می‌ارزد. در مورد اینکه چرا می‌ارزد توضیح خواهم داد.

اصولا در بررسی‌های اقتصادی متوجه می‌شویم که همه رفتار اقتصادی افراد به این دلیل است که آن فعالیت یا رفتار می‌ارزد. یعنی یا سود را حداکثر می‌کند یا ضرر را

حداقل. بنابراین موضوع استقبال از قرض‌الحسنه‌ها در همین چارچوب قابل تحلیل است. یعنی برای اغلب کسانی که اقدام به این کار می‌کنند می‌ارزد که چنین کاری کنند. وگرنه می‌توانند پولشان را در جاهای دیگری بسپارند. اما ترجیح آنها به سپرده‌گذاری به صورت حساب قرض‌الحسنه که سود هم به آن تعلق نمی‌گیرد، حاکی از این است که چنین کاری برای آنان از لحاظ اقتصادی منطقی است.

حال باید عواملی را بررسی کنیم که نشان می‌دهد این فعالیت برای مردم از لحاظ اقتصادی منطقی است. یعنی این فعالیت به صورت عقلایی انجام می‌گیرد.

برای این کار باید بازار کار و وضعیت تورم بخصوص در مورد مسکن و بازار مالی را بررسی مختصری کنیم.

بازار کار

در سال ۸۳ نرخ بیکاری ۱۲/۳ درصد بوده است. این در حالی است که بیکاری جوانان در آن سال ۲۶۲/۲ درصد بوده. طبق برنامه‌ی چهارم، تا انتهای برنامه چهارم باید نرخ بیکاری به ۸/۴ درصد برسد. بر همین اساس، در هر سال اجرای برنامه چهارم توسعه، به طور میانگین باید ۹۰۰ هزار شغل ایجاد می‌شد تا با ایجاد اشتغال برای چهار و نیم میلیون نفر، نرخ بیکاری به ۸/۴ درصد برسد.

آنچه در این سال‌ها حایز اهمیت است، شکل‌گیری جمعیت ۳۶ میلیونی زیر ۲۵ سال است که تا پایان قرن شمسی حاضر، بر همه‌ی ارکان اقتصادی و اجتماعی به ویژه بازار کار کشور اثر خواهد گذاشت.

در حالی که آمار و ارقام رسمی بخصوص در دو سال اخیر در خصوص بیکاری به صورت محافظه‌کارانه‌ای ارایه می‌شود، اما باز هم وضعیت نگران‌کننده است. ایران از جمله کشورهایی است که نرخ بیکاری در آن دو رقمی است. و هدف برنامه چهارم رساندن این نرخ به ۸/۴ درصد است که به نظر بسیاری از کارشناسان در صورتی که آمار بیکاری به شکل درستی تهیه و ارایه شود، توان رسیدن به این نرخ بیکاری وجود ندارد.

بخصوص اگر نرخ بیکاری برای افراد تحصیل کرده در نظر گرفته شود، نرخ بیکاری تحصیل کردگان در سال ۱۳۸۳ بیش از نرخ بیکاری عمومی کشور بوده است. و با توجه به این که تغییر مثبت و محسوسی در سیستم آموزشی به وجود نیامده است، به نظر می‌آید نرخ بیکاری تحصیل کردگان همچنان بیشتر از بیکاری عمومی باشد. با توجه به اینکه تعداد تحصیل کردگان به صورت فزاینده‌ای در حال افزایش است، به نظر می‌آید وضعیت اشتغال برای تحصیل کردگان دشوارتر می‌نماید. چه بسیار تحصیل کردگانی که در شغل‌هایی غیر از تخصص خود مشغول به کار شده‌اند و چه بسیار تحصیل کردگانی که به خاطر نبود کار مناسب به مسافرکشی روی آورده‌اند. با توجه به جداول فوق و تحلیل فوق، صرف پیدا کردن کار آبرومندی حتی اگر هم شرایط مناسب کاری و حقوق و مزایای مناسبی نداشته باشد، توسط افراد پذیرفته می‌شود.

در ضمن بسیاری از کسانی که در آمار و ارقام به عنوان بیکار تلقی نمی‌شوند، (کسانی که در هفته بیش از ۱ ساعت کار می‌کنند)، دارای درآمد بسیار کمی هستند. درآمدی که نمی‌تواند هزینه‌های افراد را پوشش دهد و موجب می‌شود پدیده چند شغلی به وجود بیاید. بنابراین بسیاری با شب و روز کار کردن، صرفا توقع دارند، مخارج روزمره خود را تامین کنند.

تورم

وضعیت تورم نیز یکی از مسایلی است که موجب شده قدرت خرید بسیاری از دهک‌های پایین درآمدی کم شود. افزایش ۵ یا ۶ درصدی کارگران و کارمندان در کنار تورم دورقمی (در سال ۸۶ بیش از ۱۸ درصد) موجب شده که بسیاری نسبت به قدرت خرید خود در آینده نگران باشند.

در کنار تورم دو رقمی (که ایران یکی از معدود کشورهای جهان است که دارای تورم دو رقمی است) افزایش با شتاب فراوان مسکن را باید مورد توجه قرار داد. در ایران در دهه‌های اخیر همواره زمین و مسکن افزایش قیمت داشته‌اند. البته سرعت افزایش قیمت در سال‌های اخیر به شدت فزونی یافته، به گونه‌ای که در تهران در یک سال گذشته بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت مسکن وجود داشت. بنابراین با وجود حتی درآمدهای نسبتا خوب به صورت معین و ماهانه نیز حداقل باید ۱۰ یا ۱۵ سالی فرد صرفا کل درآمدش را پس‌انداز کند تا بتواند با توجه به قیمت‌های الان، مسکنی تهیه کند. در حالی که وی به خوبی می‌داند مسکن در حال افزایش قیمت می‌باشد. تقریبا امیدی برای افرادی که دارای درآمدهای کمتر از سطح عالی هستند، برای خرید خانه کمتر از ۲۰ سال وجود ندارد. در حالی که داشتن خانه مستقل آرزوی منطقی هر فردی است.

بازار مالی

بازار مالی در هر کشوری به منظور جمع‌آوری پس‌اندازها بخصوص پس‌اندازهای خرد و هدایت این منابع در جهت تولید و سرمایه‌گذاری‌های مولد فعالیت می‌کنند. بازارهای مالی طبیعتا باید دارای سبدهای متفاوتی برای افراد با خصوصیات مختلف باشند. مثلا هم برای افراد ریسک‌پذیر و هم ریسک‌گریز. این تنوع موجب می‌شود که اغلب سرمایه‌های خرد در بازارهای مالی و حتی به شکل پورتفولیوی متنوعی از دارایی‌ها به کار گرفته شوند. در این صورت به غیر از تامین منابع مالی سرمایه‌گذاری‌ها، سپرده‌گذاران در بازارهای مالی نیز، سود مورد علاقه خود را می‌برند.

اما در ایران بازارهای مالی نتوانسته‌اند گسترش یابند. بازار بورس بعد از دوران رونقش در ۴ و ۵ سال پیش به شدت سیر نزولی داشته است و بعد از آن که بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد در این بازار در این چند سال اخیر ضرر کردند، استقبال از آن کمتر شد. بازارهای مالی دیگری هم وجود ندارند مگر بانک‌ها.

حال با توجه به این مسایل گفته شده، و این میل ذاتی در بشر که دوست دارد هر چه سریع‌تر از امکانات بیشتری استفاده کند و لذت ببرد، (و یا حتی زندگی بکند) آیا به کسانی که سرمایه‌های خرد خودشان را در سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌سپارند، نباید حق بدهیم؟

در حقیقت سیستم پاداش‌دهی اقتصادی و اجتماعی در ایران به شکلی است که سرمایه‌های خرد را در جهت فعالیت‌های سوداگرانه سوق می‌دهد.

شاید این سوال پرسیده شود که چرا به سپرده‌گذاری به شکل قرض‌الحسنه فعالیت سوداگرانه می‌گوییم؟ مشخص است: زیرا آنان به خاطر برنده شدن احتمالی جایزه بزرگ آن پول‌هایشان را در این قسمت می‌گذارند.

زیرا هیچ راه دیگری برای اینکه بتوانند در زمان نسبتا معقولی حداقل سرپناهی برای خود دست و پا کنند، وجود ندارد.

در حقیقت مردم به صورت ناخودآگاه یک محاسبه انجام می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که سپرده‌گذاری در سپرده قرض‌الحسنه می‌ارزد. آن محاسبه هم این است که احتمال برنده شدن در جایزه بزرگ این سپرده‌ها، که مبلغ بسیار هنگفتی برای فرد است، با اینکه عدد بسیار کوچکی است، اما صفر نیست. اما با توجه به شرایط اقتصادی رسیدن به چنین مبلغی در کمتر از یک سال، و با سرمایه خرد، صفر است. هیچ فعالیت اقتصادی قانونی وجود ندارد که فرد در آن بتواند در زمان نسبتا کوتاهی (کمتر از ۵ سال) منابع مالی مناسبی برای تشکیل زندگی مستقل برای جوانان و یا زندگی در سطح بالاتر و ارتقای اجتماعی برای مسن‌ترها، در اختیار فرد بگذارد.

حتی با وجود اینکه سال‌های فراوانی برای اغلب افراد وجود داشته که در سیستم قرض‌الحسنه برنده جایزه‌ای هم نشده‌اند، اما باز هم قسمتی از پولشان را به این شکل باقی می‌گذارند. زیرا احتمال برنده شدن هیچ موقع صفر مطلق نیست و نسبت به شرایطی که رسیدن به چنین پولی صفر مطلق است، می‌ارزد.

در حالی که در کشورهای پیشرفته، فرمول‌های قانونی و راهکارهای اقتصادی برای افرادی که می‌خواهند وضعیت‌شان را بهتر از وضع موجود کنند، وجود دارد. لذا با انجام آن فعالیت‌ها توسط اکثر مردم، اقتصاد کشورشان هم رشد و توسعه می‌یابد و هم فرد ارتقای اقتصادی و اجتماعی پیدا می‌کند.

سیستم پاداش‌دهی اجتماعی و اقتصادی در کشورهای توسعه یافته به صورتی است که کارهای مولد را تشویق می‌کنند. اما در ایران این سیستم در جهت سوداگری و یک شبه پولدار شدن سوق می‌یابد.

با توجه به مباحث گفته شده، باید منتظر توسعه و رشد هر چه بیشتر سپرده‌های قرض‌الحسنه در کشور باشیم. تا سال‌های زیادی در آینده، تبلیغات متنوع و پرهزینه بانک‌ها و رقابت با هم در جذب این سپرده‌ها را شاهد خواهیم بود و همچنان بیشترین تبلیغی که تا سال‌های آتی در صفحه رنگارنگ تلویزیون شاهد خواهیم بود، تبلیغات جوایز سپرده‌های قرض‌الحسنه خواهد بود.